

مطالعه علل گرایش جوانان روستایی به سوءمصرف مواد مخدر^۱ (مطالعه روستاهای شهرستان دلفان، استان لرستان)

محبوبه بابایی^۲، زهره نجفی اصل^۳

(تاریخ دریافت ۹۶/۰۸/۲۲، تاریخ پذیرش ۹۷/۰۴/۱۵)

چکیده

امروزه، بعد از فقر و مهاجرت روستایی، اعتیاد روستایی یکی از عوامل مهم تضعیف و ناکارآمدی نیروی انسانی و اختلال در جامعه روستایی به‌شمار می‌آید. پژوهش حاضر، با رویکرد کیفی و روش تحلیل محتوای کیفی، به مطالعه علل گرایش به سوءمصرف مواد مخدر در میان جوانان ساکن در روستاهای شهرستان دلفان می‌پردازد. روستاهای شهرستان دلفان از نظر میزان معتادان به مواد مخدر در استان مقام اول تا سوم را دارد. نمونه‌ها به صورت هدفمند و به روش گلوله‌برفی انتخاب شدند و تا حد اشباع نظری با ۲۰ معتاد مواد مخدر و مسئول کمپ ترک اعتیاد و فروشنده مواد مخدر و ریش‌سفیدها مصاحبه انجام شد. داده‌های پژوهش با استفاده از مصاحبه عمیق گردآوری شد و تجزیه و تحلیل داده‌ها با روش تحلیل محتوای عرفی صورت گرفت. یافته‌ها حاکی از آن است که حمایت‌های اجتماعی از مصرف مواد مخدر ناشی از خرده‌فرهنگ محلی و عوامل ساختاری و مصرف تفننی ریش‌سفیدان، زمینه‌ساز مصرف مواد مخدر بوده است و عوامل اجتماعی از قبیل نزاع‌های سابق در روستا، وضعیت شغل

۱. از سرکار خانم شیما صفا به دلیل کمک‌های بی‌دریغشان در بخش نظری قدردانی می‌شود و امید است روحشان قرین رحمت الهی باشد.

۲. دانشجوی دکتری دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

mahboobeh.babaie@ut.ac.ir

najafiasl@ut.ac.ir

۳. استادیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

و وضعیت گذران اوقات فراغت بر تداوم سوء مصرف مواد مخدر تأثیر داشته است. برطبق یافته‌های پژوهش، حضور دهیار کاردان و آگاه با دراختیارداشتن زیرساخت‌های اجرایی و قانونی برای آگاه‌سازی روستاییان و جذب مشارکت آنها، از مهم‌ترین عوامل برای عدم گسترش سوء مصرف مواد مخدر است.

واژگان کلیدی: آسیب‌های اجتماعی، اعتیاد، جوانان، روستا، شهرستان دلفان.

مقدمه و بیان مسئله

اعتیاد به مصرف مواد مخدر بزرگ‌ترین عامل مضمحل‌کننده‌ای است که زندگی امروز بشر را تهدید می‌کند (یزدانی و سیدرسولی، ۱۳۷۷: ۱۹). مسئله اعتیاد از جمله مسائل مهم اجتماعی است که در بیشتر کشورها به صورت مشکل بزرگی برای دولت‌ها جلوه می‌کند. در حال حاضر، بحران مواد مخدر، در کنار سه بحران اصلی، یعنی بحران محیط‌زیست، بحران تهدید اتمی و بحران فقر، مسئله روز دنیاست (احمدی و غلامی، ۱۳۸۲: ۸۵).

پدیده اعتیاد به مواد مخدر در ایران نیز مسئله‌ای اجتماعی تلقی می‌شود که ناشی از عوامل اجتماعی بیرونی و درونی است و پیامدهای منفی اجتماعی دارد، به نحوی که سبب جریحه‌دار شدن وجدان جمعی جامعه و زمینه‌ساز بسیاری از آسیب‌های اجتماعی دیگر در جامعه شده است (عبداللهی، ۱۳۸۱: ۲۶). مطابق آمارهای ارائه شده دست‌کم ۳ میلیون و ۷۶۱ هزار نفر مصرف‌کننده مواد مخدر در ایران حضور دارند. اگر هر معتاد ۵ نفر را به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم درگیر مسئله کرده باشد، نزدیک به ۱۹ میلیون نفر از جمعیت ایران با سوء مصرف مواد مخدر دست‌به‌گریبان‌اند و میزان رشد سالانه اعتیاد یا میزان بروز در کشور ۸ درصد (سه‌برابر رشد جمعیت، ۲/۳) است.

در جامعه، وقتی از اعتیاد به مواد مخدر سخن به میان می‌آید، توجه غالباً به سمت جامعه شهری معطوف می‌شود، در حالی که شیوع اعتیاد در جامعه روستایی مسئله‌ای جدی است که همواره از آن غفلت شده است. از زمانی که بیش از دوسوم جمعیت کشور روستایی بوده‌اند، تا امروز که این جمعیت به کمتر از ۳۰ درصد رسیده است، همواره توجه به آسیب‌های اجتماعی، به‌ویژه اعتیاد در روستا، یا مغفول مانده، یا به صورت سطحی به آن پرداخته شده است. امروزه، اعتیاد در روستاها به‌مثابه مسئله‌ای اجتماعی در جوامع روستایی نمود پیدا کرده است، جوامعی که سالیان گذشته از چنان عرف اجتماعی قوی‌ای برخوردار بودند که حتی کوچک‌ترین رفتار روستاییان را تحت سیطره خود قرار می‌داد، با رشد و تحول صنعت و فناوری و گسترش ارتباطات و رسانه‌ها، جوانان روستایی متأسفانه درگیر مسئله مواد مخدر شده‌اند (همان).

سوءمصرف مواد مخدر در روستاهای استان لرستان گسترش یافته است، به طوری که حیدری (۱۳۹۶) از روستایی شدن آسیب‌های اجتماعی و مخصوصاً اعتیاد در لرستان یاد می‌کند. شهرستان دلفان، طبق آمارهای نیروی انتظامی شهرستان دلفان (۱۳۹۵)، از نظر تعداد معتادان به مواد مخدر، رتبه اول تا سوم را در استان دارد. میزان مراجعه روستاییان به کمپ‌های ترک اعتیاد بیشتر از ساکنان شهری است. علاوه بر این، از ده کمپ ترک اعتیاد در این شهرستان، سه کمپ در مناطق روستایی واقع شده است (کمپ‌ها و بهزیستی شهرستان دلفان، ۱۳۹۰). از آنجاکه با وجود اعتیاد، امکان هیچ‌گونه توسعه‌ای نیست، این پژوهش درصدد است به این پرسش‌ها پاسخ دهد و راه‌کارهایی برای جلوگیری از گسترش سوءمصرف مواد مخدر در میان جوانان این روستاها ارائه کند: چه عواملی در گرایش جوانان ساکن در روستاهای اطراف شهرستان دلفان به سوءمصرف مواد مخدر نقش داشته است؟ عوامل تداوم بخش سوءمصرف مواد مخدر در میان آنها کدام است؟

مروری بر ادبیات نظری

جامعه‌شناسان و نظریه‌پردازان طی یکی دو قرن گذشته نظریات متفاوت و راه‌گشایی در زمینه انحرافات اجتماعی منتشر کرده‌اند که هر کدام، با توجه به ساختار جامعه و اوضاع اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جوامع توسعه‌یافته و در حال توسعه می‌تواند تبیین‌کننده انحرافات و ارائه‌دهنده راه‌حل در این زمینه باشد.

دورکیم از جمله نظریه‌پردازان قرن نوزدهم است که به تبیین کژ رفتاری از دیدگاه جامعه‌شناسی پرداخت. به نظر او، هر جامعه‌ای با توجه به مجموعه‌ای از ارزش‌های مشترک و هنجارهای مسلط سازمان‌دهی شده است. رفتارهایی که از چارچوب این ارزش‌ها و هنجارها منحرف شوند، انحرافی و آسیب‌زا شناخته می‌شوند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۵۷؛ ستوده، ۱۳۸۶: ۱۲۸).

توجه مرتن به فرهنگ‌ها و جوامعی است که تأکید بسیاری بر ارزش‌ها و اهداف فرهنگی دارند و در مقابل، بر اسباب وصول به آن اهداف کمتر تأکید شده است. از این‌رو، به واسطه نبودن تناسب بین هدف و وسیله، تشکل و یکپارچگی فرهنگی به وجود نیامده و حالتی از احساس بی‌هنجاری در جامعه حاکم شده است. مرتن تأکید خاصی نیز بر توزیع فرصت‌ها در میان افراد گوناگون جامعه دارد و عدم توزیع مساوی فرصت‌ها در دسترسی به اهداف و وسائل را عامل مهمی برای انحراف می‌داند (احمدی، ۱۳۷۷: ۵۲).

فرضیه اصلی سادرلند و همکارانش این است که رفتار انحرافی مثل بقیه رفتارها از طریق هم‌نشینی و پیوستگی با دیگران آموخته می‌شود. فرد بزه‌کار در طول حیات خود از طریق پیوستگی و ارتباط با دیگران، در معرض انگیزه‌ها، گرایش‌ها و ارزش‌های انحرافی قرار می‌گیرد. مردم به نسبت هم‌نشینی و ارتباطی که با قانون‌شکنان دارند کج‌رو می‌شوند و عوامل چندی میزان این تأثیرپذیری را تعیین می‌کند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۱۰۱). مبنای این نظریه را می‌توانیم در روستاها ببینیم که اعتیاد را ناهنجار تلقی نمی‌کنند و در اثر معاشرت جوانان و نوجوانان در رابطه‌های دوستی و خانوادگی و حتی در مهمانی‌ها، این الگوی رفتاری آموخته و تأیید می‌شود، تا آنجا که اعتیاد به الگوی رفتاری مطلوب فرد بدل می‌شود و از طریق معاشرت بیشتر، برای فرد درونی می‌شود.

نظریه‌های خرده‌فرهنگی نیز بر بزه‌کاری جوانان متمرکز شده‌اند و در تحلیل جامعه‌شناختی، بزه‌کاری جوانان را برحسب ویژگی‌های خرده‌فرهنگی آنها، مانند ارزش‌ها، باورها، عادت‌ها و شیوه‌های زندگی بررسی می‌کنند (مبارکی، ۱۳۸۸). میلر بر این باور است که ارزش‌های طبقات پایین از ویژگی‌های ذاتی فرهنگ خاص خودشان نشئت گرفته است که زمینه‌ساز رفتار بزه‌کارانه است. به عبارت دیگر، به اعتقاد میلر، آنچه باعث می‌شود جوانان طبقه پایین بزه‌کار شوند، شدت توجه و دل‌بستگی آنان به ارزش‌های طبقه پایین جامعه است (احمدی، ۱۳۷۷: ۷۶).

نظریه انتقال فرهنگی بیشتر بر فراگرد یادگیری فرهنگی تأکید می‌کند که در جریان آن کژرفتاری آموخته می‌شود. نظریه‌های انتقال فرهنگی انگیزش و تمایل فرد را به نوع خاصی از کژرفتاری، محصول و معلول معلومات و یادگیری فرد می‌دانند که به‌طور آشکار با زمینه‌های فرهنگی، محیط تربیتی و یادگیری اجتماعی ارتباط دارد. این نظریه‌ها بر رابطه میان دانستن‌ها و گرایش‌ها با محیط فرهنگی عامل رفتار تأکید می‌کنند. به نظر شاو و مک‌کی، در مناطقی که بزه‌کاری زیاد است، جنایت و کژرفتاری کم‌وبیش به صورت جنبه‌های سنتی زندگی اجتماعی درآمده است. این سنت‌های بزه‌کاری به نظر آنان از راه برخوردهای فردی و گروهی منتقل می‌شود. مهم‌ترین عامل انتقال بزه‌کاری، از نظر شاو و مک‌کی، گروه‌های هم‌بازی و همالان است که فنون، معلومات و سنت‌های بزه‌کاری را به اعضا منتقل می‌کنند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۸۰). جرج زیمل یکی از جامعه‌شناسان کلاسیک آلمانی بود که یکی از نظریات او درباره جامعه‌شناسی اوقات فراغت می‌تواند تبیین‌کننده رواج اعتیاد به مواد مخدر در جامعه باشد. به اعتقاد او، در فرهنگ مدرن و در روند تاریخ جدید، آزادی فزاینده فرد از بندهای وابستگی شدید اجتماعی و شخصی ظهور می‌یابد. صورت‌های فرمان‌دهی و فرمان‌بری نیز خصلت تازه‌ای به خود می‌گیرند و هیچ فردی تحت چیرگی تام دیگران در نمی‌آید. راه‌های گسترده‌ای برای گذران فراغت

مطالعه علل گرایش جوانان روستایی به سوءمصرف مواد مخدر (مطالعه روستاهای شهرستان دلفان، استان لرستان)

وجود دارد که به فرد امکان می‌دهد خود را از دیگران متمایز سازد که روش‌ها و اعمال پرشتاب این تمایز هویت شخصی را شکل می‌دهند. براین‌مبنا، هر کس برای متمایز شدن، روش خاص پی می‌گیرد که ماجراجویی در زندگی مدرن را رواج می‌دهد. فرد در این فضا می‌کوشد از جریان‌های یک‌نواخت زندگی روزانه بیرون رود و در قلمرو فعالیت با قواعد ویژه گام نهد. بنابراین، در جوامع مدرن و جوامعی که به‌سوی مدرنیسم گام برمی‌دارند و فرهنگ مدرن در آنها تبلیغ شده، فرد در قلمرو اوقات فراغت، جهان عقل‌گرا، بوروکراتیک و افسون‌زدایی شده را کنار می‌نهد و فرصتی برای او فراهم می‌شود تا اجبارها و محدودیت‌های نظم اجتماعی را فراموش کند و به کنش غیرهنجاری دست زند (سخاوت و پیران، ۱۳۸۵: ۵۵-۵۶).

پیشینه پژوهش

یافته‌های حاصل از پیشینه پژوهش (جدول ۱) حاکی از آن است که الگوی مصرف جامعه شهری و روستایی متفاوت است، به‌طوری‌که جامعه شهری به مصرف مواد سنگین و صنعتی گرایش دارد، درحالی‌که جامعه روستایی به مصرف مواد سنتی تمایل دارند. هرچه وجدان جمعی قوی‌تر باشد احتمال گرایش به سوءمصرف مواد کمتر خواهد بود. اکثر یافته‌ها حاکی از آن است که خانواده در گرایش به مواد مخدر یا روی‌گردانی از آن تأثیرگذار است و همین‌طور نوع شغل و چگونگی گذران اوقات فراغت در تداوم سوءمصرف مواد مخدر تأثیر داشته است.

جدول ۱. مهم‌ترین موارد مربوط به پیشینه تحقیق

پدیده‌آورنده	سال انجام	نتایج
میرمحمدتبار و مظلوم خراسانی	۱۳۹۶	متغیرهای دوستان معتاد و پیوستگی به خانواده بیشترین تأثیر را بر سوءمصرف مواد داشته‌اند.
محمدی و همکاران	۱۳۹۴	سن، جنسیت، وضعیت تحصیلی، حضور افراد مصرف‌کننده در خانواده و نیز درمیان دوستان و هم‌سالان، وضعیت درآمد و پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده، و درنهایت دسترسی آسان به مواد مخدر، سیگار و الکل را مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر سوءمصرف مواد درمیان نوجوانان دانسته است.
معیدفر و زمانی سبزی	۱۳۹۲	افرادی که از تعهد زیادی برخوردارند و افرادی که کنترل اجتماعی قوی بر آنها حاکم است، موفقیت بیشتری در قطع مصرف و تداوم در ترک از خود نشان می‌دهند.
مطیعی لنگرودی و همکاران	۱۳۹۲	عواملی چون لذت‌جویی، گذران اوقات فراغت، بی‌کاری، نزدیکی و دوستان معتاد، ازهم‌پاشیدگی نظام خانواده، فشارهای روانی، کنج‌کاو و ماجراجویی، شکست در ازدواج، استفاده دارویی از مواد مخدر و ازهمه‌مهم‌تر، به‌وجودآمدن ناهنجاری فرهنگی جدید مصرف مواد

نتایج	سال انجام	پدیدآورنده
مخدر، به‌منزله تنقلات در مهمانی‌های شبانه بر مصرف مواد مؤثرند.		
بین‌گرایی به مسائل دینی و مذهبی و میزان مصرف مواد مخدر ارتباط منفی معنادار وجود دارد. همچنین، بین مؤلفه‌های بی‌کاری، تعامل با افراد معتاد و نزدیکی روستاها با مراکز شهری با گرایش جوانان روستایی به مواد مخدر هم‌بستگی مثبت معنادار وجود دارد.	۱۳۹۲	حجاریان و قنبری
بین عوامل خانوادگی و عوامل فردی و عوامل محیطی با افزایش گرایش به مواد مخدر رابطه معنادار وجود دارد.	۱۳۸۹	شرافت
جامعه شهری و روستایی تفاوت‌هایی در الگوهای مصرف مواد دارند که می‌تواند از تفاوت بافت اجتماعی آنها نشئت بگیرد.	۱۳۷۷	رسولی آزاد و همکاران
نتایج پژوهش رابطه مستقیم و معنی‌داری بین متغیرهای بی‌هنجاری، احساس انزوایی و معاشرت با افراد معتاد با شدت اعتیاد را آشکار می‌سازد.	۱۳۸۹	باقری و همکاران
احساس آسایش و احترام، گرایش دینی جوانان و دل‌بستگی به خانواده فرد را از تمایل به مواد مخدر دور نگه می‌دارد.	۱۳۸۷	سام‌آرام و همکاران
خانواده را عنصری مهم در راه کنترل، پیش‌گیری و درمان اعتیاد می‌داند.	۱۳۸۳	سپرده
اختلالات روانی و جسمانی که در ساختار معیوب خانواده ریشه دارد از اولویت خاصی برخوردار است. پس‌از آن، عامل خانواده است که در واقع خود زمینه‌ساز عامل اول است.	۱۳۸۲	عرب
۷۴/۸ افراد تحت مطالعه، علت گرایش و جذب شدن به مواد مخدر را کنجکاو در جهت یافتن پاسخ به علامت سؤالی که در ذهن آنها درباره مواد مخدر و اثر آن نقش بسته بود دانسته‌اند.	۱۳۸۰	برزگری
بین داشتن دوستان ناباب، فقر، بی‌کاری، پایین بودن تحصیلات، ازدست رفتن یک یا هر دو والد، کم‌بود امکانات تفریحی و افزایش اعتیاد در جامعه روستایی رابطه معناداری یافته‌اند.	۱۳۸۰	ترکاشوند و نادری
زمانی که والدین مواد مخدر مصرف می‌کنند، بیشتر احتمال دارد که فرزندان نیز معتاد شوند.	۲۰۰۲	هافمن و سربون
خلأ عاطفی در روابط فرزندان با والدین به‌خصوص پدر از عوامل گرایش به اعتیاد است.	۲۰۰۱	پیکو
معتادان جوان با تحصیلات متوسطه، درآمدهای پایین و متوسطی دارند و همچنین شدت اعتیاد مردان متأهل بیشتر از مردان مجرد است.	۲۰۰۰	نازروول اسلام
عضو معتاد در خانواده و دوستان معتاد در گرایش به اعتیاد تاثیر گذار بوده‌اند.	۲۰۱۰	مانگ، هیون، هارولد، کندی، پولارد و تاکر
خانواده را مهمترین عامل گرایش به اعتیاد ذکر کرده‌اند.	۲۰۱۰	پیکو و کوونس

مطالعه علل گرایش جوانان روستایی به سوءمصرف مواد مخدر (مطالعه روستاهای شهرستان دلفان، استان لرستان)

نتایج	سال انجام	پدیدآورنده
مصرف مواد مخدر سنگین از قبیل کوکائین و هروئین در مناطق شهری معمول تر از مناطق روستایی و بیشتر است.		
مصرف مواد در روستاها نسبت به شهرها بیشتر است. مصرف مواد مخدر در افزایش مرگومیر در جامعه روستایی تأثیر داشته است.	۲۰۰۹	مارتا جی. وانش و همکاران

واقعیت‌های تاریخی درباره مصرف مواد مخدر در منطقه تحت مطالعه به شرح ذیل است:

اردشیر کشاورزی (۱۳۷۸) آورده است که در جنگی که معلول دسته‌بندی ایلات لرستان (دلفان، طرهان، سلسله) و دخالت اعظم‌السلطنه بود، نظرعلی خان طرهانی، والی مقتدر پیشکوه، به دلیل اعتیاد شدید در جنگ اسیر سواران کاکاوند شد. خوانین کاکاوند به وظیفه‌شان عمل و برایش وسیله دفع خمار مهیا می‌کردند (کشاورز، ۱۳۷۸: ۱۱۶). ویلسن نیز در سفرنامه ویلسن آورده است که با وجود اعتیاد نظرعلی خان این فعل کوچک‌ترین قصور، سستی یا رخوتی در انجام امور حکمرانی امیراشرف بر قلمرو حکومتی او ایجاد نکرده است (ویلسن، ۱۳۴۷: ۲۰۵).

باستانی پاریزی (۱۳۶۲) ذکر کرده است که وقتی در روستاهای اطراف الشتر، کشاورزی تریاک کاشته بود، اتفاقاً خبر به گوش رندان رسیده و مأمور دولت بر سر او رفت و پرونده تشکیل شد. آن کشاورز با کمال قدرت گفته بود قربان! من خشخاش نکاشته‌ام، من باقلا کاشته بودم؛ متأسفانه، تریاک به‌جای آن سبز شده است. مأمور با خنده گفته بود مرد! مگر چنین چیزی امکان دارد؟ زمین خدا هرچه در آن بکاری همان سبز می‌شود. آن لر شوخ جواب داده بود چندان هم از این حرف خود مطمئن نباشید، در سرزمین ما که گاهی آدم رأی به "اعظمی" توی صندوق می‌ریزد و همان رأی به نام فقیهی از صندوق خارج می‌شود، این امکان هم هست که آدم باقلا بکارد و بوته گل خشخاش بدهد (باستانی پاریزی، ۱۳۶۲: ۴۲۷).

فربا استاراک جهانگرد انگلیسی زمانی که طی سفر به ایران از شهرستان دلفان گذشته بود، مردم دلفان به او گفته بودند که ما در این منطقه تریاک نمی‌کشیم (استاراک، ۱۳۵۸: ۱۲).

طنز سیاسی‌ای که باستانی پاریزی در کتاب *کوچه هفت‌پیچ* آورده است حاکی از کشت مواد مخدر در این منطقه بوده است و نیز یادآوری مطالب کشاورز و ویلسن، حاکی از قبیح‌نبودن مصرف مواد مخدر در این منطقه است. اشاره استاراک به عدم مصرف مواد مخدر در منطقه دلفان نیز از عدم مصرف توسط مردم عادی نشان دارد.

به نظر می‌رسد در این منطقه تریاک کشت و نیز مصرف شده است. اما مصرف آن مختص طبقه مالک و مرفه جامعه بوده است. مصرف مواد مخدر نزد مردم برای طبقه مرفه قبحی نداشته و خللی در انجام وظایفشان ایجاد نکرده است.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش در روستاهای اطراف شهرستان دلفان در استان لرستان انجام شده است. از میان روستاهای شهرستان دلفان، دهستان نورعلی به دلیل تجربه زیسته پژوهشگر و شناخت جامعی که درباره این دهستان داشته است انتخاب شد. از میان روستاهای این دهستان بر روستای حسن‌آباد سنجایی تأکید شد؛ زیرا مشاهدات پژوهشگر و اظهارات پاسخگویان حاکی از آن است که در هر خانوار دست‌کم یک معتاد حضور دارد.^۱

این پژوهش با رویکرد کیفی و روش تحلیل محتوای کیفی انجام شده است. تحلیل محتوای کیفی را می‌توان روش تحقیقی برای تفسیر ذهنی محتوایی داده‌ها از طریق فرآیندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی، و مضمون‌سازی یا طراحی الگوهای شناخته‌شده دانست (مورگان، ۱۹۹۳).

روش کار بدین منوال بود که ابتدا با افرادی که در روستا با عنوان معتاد شناخته شده بودند مصاحبه شد و از آنها خواسته شد افراد دیگری را که مصرف‌کننده مواد مخدر هستند برای مصاحبه معرفی کنند. نمونه‌ها هدفمند و به صورت گلوله‌برفی انتخاب شدند. برخی از ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان و موادی که مصرف کرده‌اند، در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲. ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان

کد	اسم ^۲	سن	تحصیلات	شغل	چه موادی را امتحان کرده‌اید؟	چه کسی در خانواده مواد مصرف می‌کرده؟
۱	حیب	۷۲	خواندن و نوشتن	کشاورز	تریاک، شیره	پدر
۲	صابر	۷۰	خواندن و نوشتن	کشاورز	تریاک، شیره	دایی
۳	ابوذر	۳۸	دیپلم	راننده	تریاک، شیشه، کراک	پدر

۱. در پاسخ به این سؤال که فکر می‌کنید چند نفر معتاد در روستای شما وجود دارد، اهالی معتقد بودند جوان سالم در این روستا نداریم و با تأکید می‌گفتند: «کل، کل»، یعنی همه معتادند.
 ۲. برای رعایت ملاحظات اخلاقی در پژوهش، از اسامی مستعار استفاده شده است.

مطالعه علل گرایش جوانان روستایی به سوءمصرف مواد مخدر (مطالعه روستاهای شهرستان دلفان، استان لرستان)

کد	اسم ^۲	سن	تحصیلات	شغل	چه موادی را امتحان کرده‌اند؟	چه کسی در خانواده مواد مصرف می‌کرده؟
۴	پیمان	۳۱	فوق دیپلم	نقاش	شیشه، تریاک	پدر
۵	سجاد	۲۳	لیسانس	سرباز	شیشه، آدامس، حشیش، کراک	-
۶	سبحان	۲۲	ترم آخر کارشناسی	بیکار	تریاک، قلیان، شیشه، حشیش	پدر و مادر
۷	داوود	۳۲	دیپلم	بیکار	تریاک	-
۸	مبین	۴۰	فوق دیپلم	مغازه‌دار	تریاک، کراک، شیشه	پدر
۹	مجتبی	۵۲	دیپلم	کاسب	تریاک	پدر بزرگ
۱۰	مرتضی	۴۸	سیکل	خانه‌دار	تریاک	پدر
۱۱	محمد مراد	۴۳	فوق دیپلم	کشاورز	شیشه، تریاک	عمو
۱۲	یادگار	۴۰	دیپلم	بی‌کار	شیشه، تریاک، حشیش	-
۱۳	موسی	۴۹	ابتدایی	کشاورز	تریاک	پدر
۱۴	حشمت	۵۲	راهنمایی	رمال	همه نوع	پدر
۱۵	کریم	۵۷	ابتدایی	کشاورز	تریاک	برادر
۱۶	محمد رضا	۷۰	خواندن و نوشتن	قاچاقچی	تریاک و شیره	پدر
۱۷	هوشنگ	۴۳	فوق دیپلم	راننده	تریاک و شیره و حشیش	دایی
۱۸	سنگ مراد	۴۴	راهنمایی	کشاورز	تریاک و شیره	پدر و برادر
۱۹	پیروز	۲۹	فوق دیپلم	راننده	کراک، شیشه، بنگ	-
۲۰	رضا	۳۰	فوق دیپلم اخراجی	بی‌کار	تریاک، هروئین	-
۲۱	صمد	۳۴	ابتدایی	کشاورز	تریاک	پدر
۲۲	میلاد	۴۴	دیپلم	کشاورز	تریاک، شیشه	پدر بزرگ
۲۳	محمد تقی	۳۸	دبیرستان	کارگر	تریاک، شیره، هروئین، شیشه	پدر
۲۴	نمدبگ	۳۸	دیپلم	کارگر	تریاک، شیره، هروئین، شیشه	برادر

در ادامه، برای بالابردن اعتبار داده‌ها، سعی شد با ریش سفیدان روستایی که از نحوه ورود مواد مخدر به روستاها در طی زمان آگاه بوده‌اند و نیز فروشنده‌های مواد مخدر و مسئول کمپ

مصاحبه شود و برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل محتوای عرفی استفاده شد. مقوله‌بندی مطالب در تحلیل محتوای عرفی هم‌زمان با مطالعه متن یا مصاحبه آغاز می‌شود و با توجه به موضوع، مرحله به مرحله تعیین واحد معنا و فشرده‌ساختن آن تا تعیین رمز انجام می‌شود. با یافتن زمینه‌ای مشترک، رمزها ادغام می‌شوند و مقوله‌ها تعیین و سپس مفهوم کلی که حاصل جمع‌بندی مقوله‌هاست حاصل می‌شود (مورگان، ۱۹۹۳). خرده‌فرهنگ بومی، تغییر ساختار روستا، مصرف تفننی، حمایت اجتماعی از مصرف مواد، دردسترس بودن مواد، تعیین‌کننده بودن میزان اشتغال به کار، فعالیت‌های فراغتی، برخی از مقولات پژوهش حاضر است.

یافته‌های پژوهش

استفاده از تریاک در لرستان از زمان کشت آزاد خشخاش و سپس دادن کوپن تریاک به معتادان در سال ۱۳۴۸ شدت گرفته است. برای پی‌بردن به اهمیت مطلب می‌توان به میزان سطح زیرکشت خشخاش و مقدار تولید آن در سال‌های زراعی ۱۳۵۵-۱۳۵۷ توجه کرد که حدود ۲ درصد از مرغوب‌ترین زمین‌های آبی استان را به خود اختصاص داده بود.

جدول ۳. سطح زیرکشت خشخاش و میزان برداشت تریاک در استان لرستان در دوره‌های ۱۳۵۵-۱۳۵۷

سال زراعی	کل سطح زیر کشت آبی استان به هکتار	سطح زیر کشت خشخاش به هکتار	میزان تریاک برداشت شده تریاک به کیلوگرم	نسبت سطح زیر کشت خشخاش به سطح زیر کشت آبی استان
۶-۱۳۵۵	۱۲۶۸۷۴	۲۲۸۰	۱۷۶۰۰	۲ درصد
۷-۱۳۵۶	۱۲۸۱۴۰	۹۵۰	۱۴۰۰۰	۲ درصد

در طول این سال‌ها، کشت خشخاش و استعمال تریاک در روستاها و شهرهای استان رواج شدیدی پیدا کرده است و حتی در مدح افراد معتاد به تریاک اشعاری سروده شده است. دو بند شعر که در نوعی آواز محلی به نام هوره یا مور در شهرستان کوه‌دشت، دلفان و بخش الشتر خوانده می‌شده از این قرار بوده است:

مِرک داین بالشت ریشی مرواری دست و وافور چینی گل کاری
 شانت و پالتو لال دیزو دست و وافور نقده ریزه و^۱

۱. به بالشی که ریشه‌های مرواریدی داشت تکیه زدی در دستت وافوری چینی بود که گلکاری شده بود
 رو دوشت پالتویی بود که مرصع به لعل بود و در دستت وافوری بود نقره‌ریز شده.

این روند تا پس از پیروزی انقلاب در سال ۱۳۵۹ ادامه داشت و سپس کشت خشخاش در کل کشور از جمله لرستان منسوخ شد. از این زمان به بعد، سیر قاچاق مواد مخدر در لرستان شکل دیگری پیدا کرد و تریاک و هروئین در ابعاد وسیع از برخی مناطق مرزی کشور به خصوص مرزهای شرق به استان وارد شد (استانداری لرستان، ۱۳۷۰).

استفاده از مواد مخدر قبل از اصلاحات ارضی و انقلاب مختص طبقه مرفه و مالک بوده است.^۱ در این پژوهش نیز یکی از بزرگ‌ترین گروه‌های معتاد به مواد مخدر فرزندان مالکان روستا هستند که زندگی مرفه‌تری نسبت به بقیه ساکنان روستا داشته‌اند و مواد مخدر برای آنان به‌وفور فراهم بوده است، اما بعد از سوءمصرف، ناچار شده‌اند املاک موروثی را برای خرید مواد مخدر به فروش برسانند. فروشنده مواد مخدر در این روستا این‌گونه می‌گفت:

مالکان و فرزندانشان مشتری‌های خوبی بودند و هستند، مواد خالص و بدون افزودنی می‌خواستند، پول هم خوب می‌دادند، آقای ... زمین‌هایش را اجاره دادند دستم و به‌جاش مقداری پول و هر نوبت که می‌خواستند مواد می‌بردند، دیگر دفترشان پر شد، الان هم که پول ندارند بدهند و زمین‌هایشان را پس بگیرند، زمین‌ها هم منبع درآمد خوبی است برای خودم. کار آقای ... که پسر خان... بود به‌جایی رسیده که ماه پیش کفش‌هایش را آورده بود به‌جاش مواد بگیرد، من هم دلم سوخت به‌اش دادم (۱۶).

کریم می‌گفت:

همیشه برای کار کشاورزی می‌رفتم کمک خانواده... یک روز خیلی کار کرده بودیم و خسته بودیم، پسرش که زیر درخت‌ها مشغول کشیدن تریاک بود به ما هم تعارف کرد، انگار شاه شدم.^۲ که پسر... به‌ام تعارف کرد، و برای اولین بار تریاک کشیدم (۱۵).

جوانان روستایی هم‌نشین بودن با فرزندان بزرگ مالکان را در هر موقعیتی افتخار می‌دانستند و وقتی فرزندان بزرگ مالکان از آنان دعوت می‌کردند که مواد مصرف کنند، با میل و افتخار می‌پذیرفتند. نظریه ساترلند نیز بر این فرض استوار است که رفتار انحرافی مثل بقیه رفتارها از طریق هم‌نشینی و پیوستگی با دیگران آموخته می‌شود. کولب می‌نویسد عده کثیری از معتادان افرادی هستند که شخصیت نارس و ناپخته دارند و از طریق برخورد و ایجاد رابطه و

۱. ریش‌سفیدان روستا تعداد معتادهای این روستا را قبل از انقلاب پنج نفر ذکر کردند: دو خان و دو مباشر و یک برادر خان.

۲. خیلی خوشحال شدم.

وابستگی با افراد معتاد دیگر به‌ویژه هم‌سالان به این راه سوق داده می‌شوند (صدیق‌سروستانی، ۱۳۸۵: ۱۶).

کریم در پاسخ به اینکه چطور شد که به مصرف مواد مخدر گرایش پیدا کردید، این‌گونه بیان کرد:

جوان بودم و غرور داشتم، فکر می‌کردم مال و زمین که دارم. پس چیزی از بقیه کم ندارم، چرا تریاک نکشم (۱۵).

صمد نیز می‌گفت:

مگر من چه چیزی از ... کم دارم که با وافور تریاک می‌کشد، تا از در خانه‌اش می‌گذری وافورش را به‌راه می‌کند، یعنی ببینید من این‌قدر مال و زمین دارم که بقیه دارایی‌ام را دود می‌کنم می‌فرستم هوا، خیالی نیست (۲۱).

عامل دیگری که باعث گرایش جوانان روستایی به مصرف مواد مخدر شده است، این است که درگذشته در هر روستا یک یا چند مالک زندگی می‌کرد و این مالکان زندگی مرفهی نسبت به بقیه اهالی روستا داشتند و بیشترشان تریاک مصرف می‌کردند، به‌نحوی که از نظر عوام یکی از ملزومات تثبیت موقعیت اجتماعی، به‌مثابه عضو طبقه بالا، استفاده از تریاک بود و فرزندانش (مذکر، مؤنث) بزرگ مالکان بدون هیچ قبیحی تریاک مصرف می‌کردند. اگر هم مهمان خانه رعیت‌ها می‌شدند، حتماً برای پذیرایی تریاک می‌آوردند. اما بعد از اصلاحات ارضی و حذف مالکان از روستا، این سبک زندگی همچنان در ذهن روستاییان باقی ماند و بر این باورند که هرکس ثروتمند باشد و صاحب املاک باشد، اگر تریاک مصرف نکند، موقعیت اجتماعی او به‌منزله فردی از طبقه بالا تثبیت نشده است. بر این منوال، جوانان و نوجوانان برای ارضای غرورشان و پیروی از ضرب‌المثل (هر که داشتوته باید بکیشه)^۱ مصرف مواد مخدر را لازمه تثبیت موقعیت اجتماعی خود در طبقه بالا می‌دانند.

وبلن (۱۳۹۲) معتقد است که ظهور طبقه تن‌آسا با آغاز شکل‌گیری مالکیت همراه است؛ و چشم‌وهم‌چشمی در طبقه تن‌آسا، از خواست مردان مالک ناشی می‌شد که می‌خواستند توانمندی خود را با نمایش دستاوردهای بادوام حاصل از غارت نشان دهند. اینها پاسخگوی

۱. در مصاحبه پژوهشگر بومی با یکی از افرادی که مواد مخدر به جوانان و نوجوانان روستایی می‌فروخت، ایشان ادعا می‌کرد برای چند روستا شخصاً مواد مخدر فراهم می‌کند. پرسیده شد که با چه ترفندی جوانان روستایی را جذب مواد مخدر می‌کند. ایشان در پاسخ گفتند (هر که داشتوته باید بکیشه)، یعنی اینکه هر کس مواد مخدر مصرف نکند حاکی از وضعیت اقتصادی بد اوست و غرور و هیبت مردها را ندارد.

میل اربابی و سروری هستند که در تمام اجتماعهای یغماگر رواج دارد (وبلن، ۱۳۹۲: ۶۹-۷۱). به نظر می‌رسد اکثر پاسخگویان این مطالعه نیز پس از مالک شدن می‌خواستند توانمندی خود را با مصرف مواد مخدر نشان دهند.

"میلاذ" درباره چگونگی گرایش به مواد مخدر توضیح می‌دهد:

پدر بزرگم برخی شب‌های زمستان تریاک می‌کشید و حتی وقتی که مهمان داشتیم همراه مهمان‌ها تریاک مصرف می‌کرد و هرگز هم معتاد نشد، گاهی پیش می‌آمد دو یا سه ماه نمی‌کشید و هیچ اتفاقی هم نمی‌افتاد. من هم فکر کردم اگر تریاک بکشم معتاد نمی‌شوم و شروع کردم به کشیدن تریاک عشقی، الان که وضعم را می‌بینی. دیگر کارم به شیشه رسیده (۲۲).

موسی نیز می‌گفت:

خیلی‌ها را دیدم مثل ... که فقط توی عروسی و پرس^۱ می‌کشند و دیگر نمی‌کشند و معتاد هم نمی‌شوند. من هم فکر نمی‌کردم معتاد شوم (۱۳).

همان‌طور که ذکر شد، مسئله دیگری که در روستاها مشاهده شد، مصرف تفنی مواد مخدر توسط اکثر ریش‌سفیدان و بزرگان روستا بود. جوانان نیز بر این تصور بوده‌اند که آنان نیز معتاد نمی‌شوند.

علاوه بر آنچه ذکر شد، نحوه آشنایی و مصرف مواد مخدر توسط جوانان روستایی حاکی از دردسترس بودن و قبیح نبودن آن است، به نحوی که برخی از پاسخگویان در مصاحبه‌ها گفتند: توی کابینت‌های خانه‌مان همیشه تریاک هست. هر وقت برایمان مهمان می‌آمد و پدرم در خانه نبود من مسئول فراهم کردن وسائل کشیدن مواد مخدر برای مهمان بودم. یک روز بعد از اینکه مهمان‌ها رفتند آنچه از آن باقی مانده بود را مصرف کردم (۲۲).

صمد اشاره کرده است که:

در هر ساعتی از شبانه‌روز فقط با یک تماس تلفنی مواد مخدر را می‌توانیم فراهم کنیم. اگر گوشی موبایل... خاموش باشد با پسرش یا همسرش تماس می‌گیریم و بعد از نیم‌ساعت مواد دردسترس است (۲۱).

"سنگ‌مراد" در خصوص نحوه آشنایی با مواد و مصرف آن برای اولین بار گفت:

پدر بزرگم از مکه برگشته بود و توی اتاقی که متعلق به کشیدن مواد مخدر بود، مهمان‌ها را راهنمایی می‌کردم و وافور را برایشان آماده می‌کردم، یکی از مهمان‌ها مرد ریش‌سفیدی بود.

۱. مراسم فاتحه‌خوانی.

گفت خودت هم امتحان کن. امتحان کردم. البته پدرم همیشه مصرف می‌کرد، من هم کنارش بودم و از بوی تریاک خوشم آمد (۱۸).

"مرتضی" درباره چگونگی مصرف مواد مخدر می‌گوید:

نهات خدا بی ریش مع گرت،^۱ انگار قسمت من این بوده که از روز اول معتاد به دنیا بیایم، وقتی به دنیا آمدم خیلی گریه‌ای بودم، اقوام به پدرم گفته بودند که تریاک بگذارید روی نافش خوب می‌شود، وقتی بزرگ شدم همیشه کنار بابام بودم. وقتی تریاک می‌کشید، انگار این نشست‌های زیاد باعث اعتیاد من از همان نوجوانی شده بود، چون وقتی پدرم رفته بود سفر، من همه مدت خمار بودم، بعداً هم که ازدواج کردم با همسرم هردو می‌کشیدیم (۱۰).

"موسی" گفت:

در فصل تابستان خیلی کارمان سخت و زیاد است. به‌همین دلیل پدرم و مردهای دیگر بعد از کار برای رفع خستگی مواد مصرف می‌کردند، ما هم که نوجوان بودیم کار زیادی می‌کردیم، سعی می‌کردیم باقی‌مانده‌های مواد آنها را کش برویم و مصرف کنیم. اوایل تأثیری در رفع خستگی نداشت، اما بعداً خودمان با دوستان مواد می‌خریدیم و همه روز را به امید مصرف تریاک تا شب سخت کار می‌کردیم، البته نشنگی خوبی داشت، به‌نحوی که بعد از مصرف هیچ آثاری از خستگی نبود (۱۳).

"پیروز" در پاسخ به این سؤال که اولین بار کی و کجا مواد مصرف کردید، این‌گونه پاسخ می‌دهد: فصل تابستان که کمباین‌دارها و راننده‌هاشان برای برداشت محصول می‌آیند روستاهای ما، هر خانواده‌ای که کمباین‌ها محصولات آنها را درو می‌کنند وظیفه دارند مواد مخدر را همراه مواد غذایی برای آنها فراهم کنند. همه راننده کمباین‌ها به‌خاطر شب‌بیداری تریاک و حتی مواد دیگری هم می‌کشند. یک‌روز که تریاک برای آنها آماده کردم تا مصرف کنند، گفتند اول خودت شروع کن تا ما هم بکشیم، من هم به‌خاطر اینکه آنها راحت باشند کشیدم (۱۹).

"صابر" می‌گفت:

اصلاً یادم نیست اولین بار کی مواد مخدر دیدم، چون مثل آب، مثل نان، همیشه بوده، توی خانواده کسی هم اگر نمی‌کشید باید برای مهمان فراهم باشد (۲).

یافته‌ها حاکی از آن است که بیشتر پاسخگویانی که زیاد مواد مخدر مصرف می‌کنند بستگان درجه‌یکی دارند که به مواد مخدر معتادند و همچنین بیشتر پاسخگویان اولین تجربه

۱. عذاب بزرگی از طرف خداوند بود که نصیب من شد.

مصرف مواد مخدر را در خانواده خود داشته‌اند که بعد از تجربه‌های اولیه به سوءمصرف مواد مخدر گرایش پیدا کرده‌اند.

در مراسم گوناگون، از جمله عروسی و مهمانی‌ها، ولیمه‌های زیارت، برداشت محصول (کمباین و خرمن‌کوب) و مراسم عزا مواد مخدر مصرف می‌شود و برای مصرف تریاک اتاق مخصوصی در نظر گرفته می‌شود. استفاده از مواد در این مراسم به صورت هنجار درآمده است، چه بسا بیشتر کسانی که مواد مخدر استفاده می‌کنند از همین مراسم شروع کرده‌اند. استفاده از مواد برای درمان دردها و بیماری‌های جسمی یکی از علل اعتیاد در افراد مشارکت‌کننده در پژوهش بوده است. بیشتر کارگران کشاورزی هم در هنگام کارهای سخت از تریاک استفاده می‌کنند.

یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها حاکی از آن است که تغییر و تحولات روستاها در گرایش به انواع مواد مخدر صنعتی نقش بسزایی داشته است. پاسخگویی که بیشتر با شهر در رفت‌وآمد هستند، مواد مخدر صنعتی از جمله شیشه و کراک و... مصرف می‌کنند، ولی افراد پیر و میان‌سال، که کمتر با شهر ارتباط دارند، همچنان فقط تریاک و شیره تریاک مصرف می‌کنند. البته، همه پاسخگويان ذکر کرده‌اند که مصرف مواد مخدر را از تریاک شروع کرده‌اند؛ زیرا در خانواده موجود بوده است و در مراسم مختلف استفاده می‌شده است.

نظریه‌های انتقال فرهنگی، انگیزش و تمایل فرد به نوع خاصی از کثرتاری را محصول و معلول معلومات و یادگیری فرد می‌داند که به‌طور آشکار با زمینه‌های فرهنگی، محیط تربیتی و یادگیری اجتماعی ارتباط دارد. این نظریه‌ها به رابطه میان دانستنی‌ها و گرایش‌ها با محیط فرهنگی عامل رفتار تأکید می‌کنند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۸۰). پس، رفتار کج‌روانه هنگامی اتفاق می‌افتد که موقعیت آن رفتار در اجتماع محلی یا خرده‌فرهنگ اجتماعی مهیا باشد و نوعی حمایت از آن رفتار صورت بگیرد. اگر رفتار نابهنجار در محیط اجتماعی فرد وجود نداشته باشد و اجتماع محلی یا خرده‌فرهنگ مخالف آن باشد، این رفتار کمتر اتفاق می‌افتد (آنیسورس و دونی، ۱۹۹۸: ۵۳۶-۵۸۳).

یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که عوامل زیادی در تداوم مصرف مواد مخدر نقش دارند. از مهم‌ترین عوامل بی‌کاری و فقدان امکاناتی برای گذران اوقات فراغت است. "سبحان" تأثیر فقدان امکانات برای گذران اوقات فراغت را این‌گونه بیان می‌کند:

در اوقات فراغت برای شب‌نشینی و گذران اوقات فراغت خانه دوستان می‌رفتیم و مصرف می‌کردیم (۶).

"موسی" می‌گفت:

بیشتر طول سال کار نداریم و فقط چندماه کار کشاورزی داریم. سرگرمی درست حسابی هم نداریم، دور بزرگ‌ترها می‌نشستیم، آنها می‌کشیدند، ما هم فکر می‌کردیم باید بکشیم (۱۳).
"محمدتقی" در پاسخ به علت تداوم مصرف مواد مخدر می‌گفت:

وقت‌های بی‌کاری وسط روستا جمع می‌شدیم. اهالی روستا اعتراض کردند که مانع رفت‌وآمد زن‌ها می‌شویم. بعد از آن، توی خانه یکی از دوستان که زنش به‌خاطر اعتیاد طلاق گرفته بود جمع می‌شدیم. او مواد مصرف می‌کرد ما هم ورق‌بازی می‌کردیم تا اینکه همه آن جمع معتاد شدند (۲۳).

افراد بی‌کار وقت بیشتری برای هنجارشکنی دارند، درحالی‌که کسی که کار می‌کند سعی می‌کند در حرفه خود موفق باشد و وقت و انرژی اضافی برای ارتکاب جرم ندارد. به‌همین دلیل، بیشتر جرم‌شناسان معتقدند که افزایش سال‌های تحصیل و فراهم‌بودن تسهیلات ورزشی، باعث کاهش کج‌رفتاری خواهد شد (ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۲۲).

با توجه به کار فصلی و نبود مکان‌هایی برای پرکردن اوقات فراغت جوانان روستایی، اغلب اوقات فراغت خود را با دوستان می‌گذرانند و مصرف مواد مخدر را بهترین شکل گذران اوقات فراغت برای رسیدن به آرامش موقتی برشمرده‌اند. البته، کوهن هم برای خرده‌فرهنگ‌های کج‌رو ویژگی‌هایی را در نظر گرفته است که یکی از این ویژگی‌ها لذت‌جویی و خوشی‌پرستی لحظه‌ای و برای مدت‌زمان کوتاه بدون آینده‌نگری است (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۶۳).

روستاها در این منطقه گاه از یک طایفه تشکیل شده‌اند که از ترکیب چند تیره ایجاد شده است و تیره‌های مختلف دارای ویژگی‌های رفتاری خاصی هستند و همواره با همدیگر در رقابت و نزاع‌اند. با توجه به اینکه قوانین دولتی مجازات‌های سنگینی برای نزاع و پیامدهای آن قرار داده است، سعی می‌کنند از راه‌های دیگری برای آسیب‌زدن به هم استفاده کنند. "حشمت" در این‌زمینه توضیح می‌دهد:

عمومیم یک‌بار مصمم شده بود که مصرف مواد را برای همیشه ترک کند و تریاک را برای ده‌روز کنار گذاشته بود. از یکی از اهالی روستا راهی برای زودتر فراموش کردن مواد خواسته بود. او نیز به‌خاطر اینکه با ما حامالی^۱ داشت، قرص‌های کپسول را از تریاک پر کرده بود و به عمومیم گفته بود این قرص‌ها کمکت می‌کند که زودتر ترک کنی. اما آن کپسول‌ها باعث شد که دوباره به تریاک روی آورد (۱۴).

در گفت‌وگویی که با فروشنده مواد مخدر در روستا داشتیم، او یادآور شد:

جوانان تیره خودمان با واسطه از من مواد مخدر می‌خرند، چون می‌دانند من دعوایشان می‌کنم و گاه‌گاهی به‌اشان گفتم که این راه عاقبت ندارد. به تیره ... هر نوع موادی می‌فروشم. اینها پدرهایشان کم به ما زور نگفتند، می‌خواهم همه بیفتند تو جو^۱ (۱۶).
پس، می‌توان استنباط کرد که وضعیت روستا و نزاع‌های سابق داخلی روستا نیز در تداوم مصرف مواد مخدر تأثیرگذار بوده است.

بحث و نتیجه‌گیری

اگر زمانی مصرف مواد مخدر در روستاها، مختص طبقه بزرگ‌مالکان و خان‌ها بود، امروزه مصرف آن به‌طور گسترده در میان جوانان روستایی، که منشأ تولید در کشور محسوب می‌شوند، رخنه کرده است و پیامدهای اجتماعی زیادی به‌همراه آورده است.

شب‌بیداری جوانان روستایی، که غالباً به‌دلیل مصرف مواد مخدر است، سحرخیزی بامدادی را، که لازمه تحرک و فعالیت زندگی دهقانی و دام‌داری در روستاها و عشایر است، مختل کرده و بنیان سرمایه‌انسانی فعال و پرتحرک را بر باد داده و از زندگی خاص روستایی و عشایری جز نامی برجای نمانده است.

عوامل فراوانی در شروع و تداوم مصرف مواد مخدر در این روستا مؤثر بوده است که عبارت‌اند از خرده‌فرهنگ‌های حاکم بر روستا، رفع خستگی، مراسم محلی، خاصیت دارویی و استطاعت مالی.

اکثر معنادان این مطالعه، آشنایی با مواد مخدر و نیز مصرف آن را از خانواده و وابستگان شروع کرده‌اند و بیشتر پاسخگویان بستگان درجه‌یکی دارند که مصرف‌کننده مواد مخدر هستند. ازسوی دیگر، تحولات بعد از اصلاحات ارضی، که به مالک‌شدن رعیت‌ها انجامید، باعث رغبت آنها به تقلید همه رفتارهای بزرگ‌مالکان، از جمله مصرف مواد مخدر، شد. به‌نظر می‌رسد فرزندان رعیت‌های صاحب‌زمین‌شده بعد از اصلاحات ارضی درصددند با مصرف نمایشی مواد مخدر به دیگران و به فرزندان ارباب‌های سابق ثابت کنند که چیزی از آنها کم ندارند.

یکی دیگر از عواملی که باعث گرایش جوانان روستایی به سوء مصرف مواد مخدر است، مصرف تفننی ریش‌سفیدان روستاست؛ زیرا از یک طرف، ریش‌سفیدهای روستایی مورد احترام و الگوی دیگران محسوب می‌شوند و ازسوی دیگر، مصرف تفننی آنها باعث اشاعه این دیدگاه شده است که مصرف تفننی مواد مخدر به اعتیاد منجر نخواهد شد.

۱.. جوی آب

از نگاه پاسخگویان، مهم‌ترین عاملی که باعث تداوم مصرف مواد مخدر شده است، بی‌کاری و مخصوصاً بی‌کاری فصلی است. با در نظر گرفتن موارد دیگری مانند عدم حمایت دولت از کشاورزان، پایین بودن قیمت محصولات کشاورزی و فقدان شرکت‌های صنعتی در منطقه، شاید بتوان چنین نتیجه‌گیری کرد که طیف وسیعی از مسائل مطرح شده درباره تداوم مصرف مواد مخدر با اشتغال افراد مرتبط بوده است.

همه افراد تحت مطالعه از فقدان امکانات تفریحی در منطقه خود در خصوص گذران اوقات فراغت شکایت داشتند و مصرف مواد را روشی برای گذران اوقات فراغت تلقی می‌کردند.

پیشنهادهایی برای جلوگیری از اشاعه سوء مصرف مواد

با توجه به اینکه روستای تحت بررسی از چند طایفه تشکیل شده است که هر طایفه تیره‌های مختلفی را دربردارد (مثلاً طایفه سنجایی از اختیار، جمی، سیدها و...)، در روستای مزبور افرادی تحت عنوان ریش سفیدان در تصمیم‌گیری‌های عمومی جامعه روستایی نقش مؤثری دارند و به دلیل احترامی که مردم برای آنها قائل‌اند، نظر آنها را با میل و رغبت می‌پذیرند.^۱ اگر ریش سفیدان طایفه از پیامدهای وفور مواد مخدر در مراسم گوناگون آگاه شوند، می‌توانند از وجود مواد مخدر در مراسم و نیز از ورود آن به روستا در قالب رحمت‌بی^۲ جلوگیری کنند.

دهیار اگر آگاه و مدیر باشد و البته خودش معتاد نباشد، می‌تواند همکاری معتمدان و ریش سفیدان روستایی را جلب کند و آنها را از پیامدهای مصرف مواد مخدر در عرصه عمومی آگاه کند تا جوانان به سوء مصرف مواد مخدر دچار نشوند. آنها اگر از امکانات کافی برخوردار باشند می‌توانند کلاس‌های آموزشی برپا کنند. دهیاران می‌توانند با احیای ورزش‌های سنتی، محیط رقابتی در مسائل ورزشی ایجاد کنند. در نتیجه، ذهن و انرژی جوانان روستایی را وقف

۱. ریش سفیدان هر طایفه در مواردی که مسئله‌ای پیش آید با هم جمع می‌شوند و برای حل آن چار می‌اندیشند. گاه تغییراتی در رسوم ایجاد می‌کنند که به این تغییرات رحمت‌بی می‌گویند. در این جلسه‌ها ریش سفیدان درباره کم‌وکیف و چگونگی رسوم نظر می‌دهند و در نهایت آن را مکتوب می‌کنند. بزرگان هر تیره که از تغییرات در رسوم رضایت داشته باشند آن را امضا می‌کنند. تمام اهالی روستایی که ریش سفید آنها رحمت‌بی را امضا کرده است ملزم‌اند که مطابق آن رحمت‌بی رفتار کنند. اگر تیره‌ای که ریش سفیدان آن رحمت‌بی را امضا کرده‌اند مطابق بندهای رحمت‌بی رفتار نکنند هدف نكوهش دیگر طایفه‌ها قرار می‌گیرند.

۲. مثلاً یکی از رحمت‌بی‌هایی که اخیراً به تصویب بزرگان طایفه رسیده (در روستاهای تحت مطالعه) درباب برگزار کردن مراسم عزا و عروسی با تجمل کمتر بوده است.

ورزش و رقابت می‌کنند. ایجاد تفریحات و اشتغالات سالم برای جوانان، خود، مهم‌ترین اقدام برای پیش‌گیری از ابتلای آنان به انواع انحرافات از جمله مواد مخدر است.

منابع

- احمدی، حبیب‌الله (۱۳۷۷) *جامعه‌شناسی انحرافات*، تهران: سمت.
- احمدی، حبیب‌الله و محسن غلامی آبی (۱۳۸۲) «بررسی عوامل اقتصادی-اجتماعی مؤثر بر اعتیاد: مطالعه موردی معتادان اردوگاه پیربنان شهر شیراز»، *اعتیادپژوهی*، سال دوم، شماره ۵: ۸۵-۱۰۴
- استاراک، فریا (۱۳۵۸) *سفرنامه الموت لرستان و ایلام*، ترجمه علی محمد ساکی، تهران: علمی.
- استاندارد لرستان (۱۳۷۰) مطالعه فرهنگی لرستان، ج ۵، بخش سوم وضعیت اجتماعی، حوزه معاونت سیاسی امنیتی، وزارت کشور، استانداری لرستان ۱۳۷۰
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم (۱۳۶۲) *کوچه هفت پیچ*، چاپ سوم، تهران: نگاه.
- باقری، معصومه و همکاران (۱۳۸۹) «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر پدیده اعتیاد در شهر اهواز»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست‌ویکم، شماره ۲ (پیاپی ۳۸): ۱۱۹-۱۳۶
- بخارایی، احمد (۱۳۹۰) *جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی در ایران*، تهران: پژوهاک جامعه.
- بهزیستی شهرستان دلفان (۱۳۹۰) *گزارش سالانه*، شش ماهه اول ۱۳۹۰
- برزگری، علی محمد (۱۳۸۰) *بررسی نقش گروه هم‌سالان، دوستان، مدرسه و محل سکونت در گرایش نوجوانان و جوانان به مواد مخدر*، تهران: ستاد مبارزه با مواد مخدر.
- بشارت، محمدعلی (۱۳۸۶) «آسیب‌شناسی خانوادگی اعتیاد»، *روان‌درمانی*، شماره ۱۲ (۴۳-۴۴): ۴۱-۲۵.
- ترکاشوند، علی؛ نادری، علی احمد (۱۳۸۰) *بررسی وضعیت اعتیاد در روستاهای شهرستان تویسرکان*، استان همدان، فرمانداری تویسرکان.
- حاج‌باقری محسن ادیب، سرور پرویزی و مهوش صلصالی (۱۳۸۶) *روش‌های تحقیق کیفی*، تهران: بشری.
- حجاریان، احمد و یوسف قنبری (۱۳۹۲) «شناسایی و تحلیل مؤلفه‌های اجتماعی مؤثر در گرایش جوانان روستایی به اعتیاد در مناطق روستایی شهرستان اصفهان»، *اعتیادپژوهی*، سال هفتم، شماره ۲۷: ۶۷-۷۸.
- حیدری، اسدالله (۱۳۹۶) *تفاهم نامه فی مابین اداره کل بهزیستی لرستان و سازمان جهاد کشاورزی*، سازمان بهزیستی استان لرستان.
- رسولی‌آزاد، مراد و همکاران (۱۳۸۹) «مقایسه الگوها و اختلالات مصرف مواد در جمعیت روستایی و شهری»، *تحقیقات علوم پزشکی زاهدان*، دوره سیزدهم، شماره ۱: ۳۶-۴۱.
- سام‌آرام، عزت‌الله و همکاران (۱۳۸۷) «عوامل گرایش به مواد مخدر و نیز میزان شیوع مصرف آن در میان جوانان روستاهای شهرستان اهواز»، *روستا و توسعه*، دوره یازدهم، شماره ۳: ۲۷-۵۰.

- سپرده، پروانه (۱۳۸۳) نقش خانواده در اعتیاد جوانان، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- ستاد مبارزه با مواد مخدر (۱۳۸۶) خلاصه تحقیق ارزیابی سریع اعتیاد در ایران، ستاد مبارزه با مواد مخدر جمهوری اسلامی ایران.
- ستوده، هدایت‌الله (۱۳۸۶) آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)، تهران: آوای نور.
- سختوت، جعفر و پرویز پیران (۱۳۸۵) جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی، تهران: دانشگاه پیام‌نور.
- شرافت، سجاد (۱۳۸۹) بررسی علل افزایش اعتیاد در میان روستاییان، مطالعه موردی: روستای گلان، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- صاحب‌الزمانی، ناصرالدین (۱۳۴۴) جوانی پررنج (پژوهشی درباره مسائل جوانان ایران)، تهران: عطائی.
- صدیق‌سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۵) آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)، تهران: آن.
- عبداللهی، محمد (۱۳۸۱) آسیب‌های اجتماعی و روند تحول آن در ایران، تهران: آگه.
- عرب، محمودرضا (۱۳۸۲) مطالعه و بررسی علل شیوع و گسترش مصرف مواد مخدر در افراد ۱۴-۲۸ ساله شهرستان شیراز، شیراز: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان فارس.
- قادری، صلاح‌الدین و علیرضا محسنی تبریزی (۱۳۸۹) «مطالعه‌ای کیفی در شناخت هنجارهای تسهیل‌کننده مصرف مواد اعتیادآور در میان خرده‌فرهنگ‌های قومی ایران»، بررسی مسائل اجتماعی ایران، سال اول، شماره ۴: ۳۷-۴۱.
- کرم‌پور، رزا (۱۳۷۹) «ارزیابی تحقیقات انجام‌گرفته در خصوص اعتیاد و مصرف مواد مخدر در ستاد مبارزه با مواد مخدر»، ژرفای تربیت، سال دوم، شماره ۲: ۳۰-۴۱.
- کشاوری، اردشیر (۱۳۷۸) نقدی بر کتاب جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل ایلات و طوایف کرمانشاهان، کرمانشاه: طاق بستان.
- کوئن، بروس (۱۳۸۴) درآمدی بر جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: توتیا.
- کوثری، مسعود (۱۳۸۲) «آنومی اجتماعی و اعتیاد به مواد مخدر»، سوءمصرف مواد، سال دوم، شماره ۵: ۱۳-۳۰.
- کمپ‌های شهرستان دلفان (۱۳۹۰) آمار معتادان مراجعه‌کننده برای درمان ۶ ماه دوم سال ۱۳۹۰ مبارکی، محمد (۱۳۸۸) بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و جرم، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد دانشگاه شهیدبهبشتی.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۳) وندالیسم، تهران: آن.
- محمدی علی‌زاده و همکاران (۱۳۹۴) «مرور نظام‌مند تحقیقات سوءمصرف مواد مخدر در نوجوانان»، مسائل اجتماعی ایران، دوره ششم، شماره ۱: ۱۳۰-۱۰۷.
- مطیعی لنگرودی، سیدحسن، صامت فرهادی و زهره زارع (۱۳۹۲) «عوامل مؤثر بر گسترش اعتیاد در نواحی روستایی (مطالعه موردی: دهستان چهاردولی غربی شهرستان قروه)، پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، دوره چهل و پنجم، شماره ۱: ۸۵-۶۵.

مطالعه علل گرایش جوانان روستایی به سوءمصرف مواد مخدر (مطالعه روستاهای شهرستان دلفان، استان لرستان)

مظفر، حسین، منیژه ذکریایی و مریم ثابتی (۱۳۸۸) «آنومی فرهنگی و اعتیاد به مواد مخدر در بین جوانان ۱۳-۲۸ ساله شهر تهران»، پژوهشنامه علوم اجتماعی، دوره سوم، شماره ۴: ۳۳-۵۴.
معیدفر سعید و شهرام زمانی سبزی (۱۳۹۲) «عوامل اجتماعی مؤثر بر تداوم عدم سوءمصرف مواد مخدر در بین جوانان معتاد به مواد مخدر صنعتی و سنتی»، بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره پنجم، شماره ۱: ۱۶۷-۱۹۰.

ممتاز، فریده (۱۳۸۱) انحرافات اجتماعی، نظریه‌ها و دیدگاه‌ها، تهران: شرکت سهامی انتشار.
میرمحمدتبار، سید احمد و محمد مظلوم خراسانی (۱۳۹۶) «فرا تحلیل تحقیقات انجام شده در حوزه مسائل اجتماعی ایران (با تأکید بر سوءمصرف مواد)»، مسائل اجتماعی ایران، دوره هشتم، شماره ۱: ۱۶۵-۱۴۵.

نیروی انتظامی شهرستان دلفان (۱۳۹۵) گزارش سالانه شش‌ماهه اول ۱۳۹۵.
وبلن، تورستین (۱۳۹۲) نظریه طبقه تن‌آسا، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نی.
ویلسن، تالبوت (۱۳۴۷) سفرنامه ویلسن یا تاریخ اقتصادی جنوب غربی ایران، ترجمه حسین سعادت‌نوری، تهران: وحید.

یزدانی، مهین و الهه سیدرسولی (۱۳۷۷) «پیش‌گیری از اعتیاد»، در: مجموعه مقالات سمینار بررسی مسائل مربوط به اعتیاد جوانان، فرمانداری تبریز: ۳۴-۵۱.

Ainsworth-Darnell, J W. Downey, & Douglas B.(1998) "Assessing the oppositional culture explanation for Racial/Ethnic/Differences in school performance" *American sociological Review*, Vol.163, August:536-553.

American Psychiatric Association, *Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders*, (1994) ed3, revised. Washington, DC, American Psychiatric Association

Brissing, P., Farrow. J A (1990) "A new look at gender difference in drinking and driving in flunkies experiences and attitudes among new among new adolescent drivers". *Health Education & Behavior*, Vol. 17, No. 2 [http:// www.elsevier .com](http://www.elsevier.com)

Brook, J. S. Nomura, C. & Cohen, P. (1989) "Prenatal, perinatal, and early childhood risk factors and drug involvement in adolescence," <http://www.ncbi.nlm.nih.gov>.

Hoffman_ J.P & F.G Cerbone (2002). "Paternal Substance Use Disorder and the Risk of Adolescent Drug Abuse: An Event History Analysis ". *Drug Alcohol Depend_ Vol.66_ No.3: 255-64*.

Macdonald, P. T. (1986) Cocaine use and abuse: An empirical test of competing theoretical model (PHD thesis), university of California.

Morgan, D. L,(1993) "Qualitative contentanalysis: A guide to paths not taken", *Qualitative Health Research*, vol 3: 112-121.

- Myong-HyunGo H., D .GreenJr.D. P.Kennedy, M. Pollard & J. S.Tucker.(2010).). “Peer influence and selection effects on adolescent smoking”. *Drug and alcohol Depevidence*, 109: 239-242.
- Nazrul Islam SK, Hossain K.J.,& Ahsan M. (2000).«Sexual life style, drug habit and socio- demographic status of drug addict in Bangladesh»». *Public Health*, Vol.114, No.5.44-34.
- Piko, B. F., & Kovács, E.. (2010). “Do parents and schoolmatter? Protective factors for adolescent substance use”. *Addictive behaviors*, 35(1): 53-56.
- Piko, B.. (2001) “Smoking in adolescence: Do attitudes matter?” *Addictive Behaviors*, 26, 201–217.
- Stimson,A. & Parrillo,V. N., (1985) Social problems: definition, impact, and solution, New York:Pennsylvania state university
- Weisheit R. A, & Donnermeyer J. F. (2000) “Change and continuity in crime in rural America”. *Criminal justice*; 1: 309-357.
- Wunsch,M J., (2009),” Opioid deaths in rural Virginia: A description of the high prevalence of accidental fatalities involvingprescribed medications”, *American Journal on Addictions*, Vol. 18, No. 1; 5-14.